



اسماعیل سلیمی

سپت را گاز زده ای؟!

نگاهی به زندگی استیو جابز و عوامل موفقیت او

## پیشگفتار

تئورسین های موفق یا کارآفرینان خلاق و مبتکری که بر مدار ارزش های نظام سرمایه ای می درخشند، نبود. سادگی هایش در زندگی هرگز پایان نیافت. نزدیکانش می دانستند که او یک آزادی خواه و منتقد جدی، اما بدون جاروجنجال نظام های پر اشتباه کنونی است. در آخرین سخنرانی اش در دانشگاه استنفورد، دانشجویان را به داشتن یک روح آزاد توصیه کرد: « stay hungry , stay foolish »

آنچه انجام داد، برآمده از باور او به خالق هستی بود و آنچه بر جای گذاشت، همه و همه، در مسیر توسعه و تکامل کیفیاتی معنوی مانند ارتقاء شعور و آگاهی و انتقال سریع تجربیات انسانی، متناسب با اقتضات جهان امروز بود. برای همه ی ما شیوه ی استیو جابز در زندگی، کار و رهبری او یادآور این نکته است که حتی در میان شلوغی های این دنیای پیچیده نیز، می توان یک اسطوره بود.

این مقاله گذری کوتاه است بر ده نکته ی کلیدی زندگی استیو جابز که پایه های اصلی موفقیت در زندگی و نیز کسب و کار را تشکیل می دهد. امید که خواننده ی گرامی با مطالعه ی مقاله ی پیش رو، به باور قدرت و نیروی خود که خالق هستی به امانت نزدمان سپرده است

ارزش حقیقی استیو جابز به ثروت یا توانایی او در اداره ی یک سازمان موفق، که این روزها آرزوی همگان است، نیست. ارزش جابز به نیروی ایمان او برای تغییر آینده است. او می دانست که زمان زندگی محدود است و نباید حتی یک ثانیه ی آن را از دست داد. بیماری سرطان در پربارترین سالهای عمر، هر لحظه سایه ی پایان را تداعی می کرد. یک بار گفت: « این که می دونم به زودی می میرم، قوی ترین ابزار دسته منہ ... چرا که کمکم می کنه تا بهترین ها رو انتخاب بکنم.» شهامت داشت که فردا را آخرین روز بداند و طور دیگری بباندد. انقلاب او در رفتارهای حرفه ای، منجر به تغییر تکنولوژی و تحول تمام الگوهای رایج اجتماعی شده است. او بر رفتار جمعی و فردی میلیون ها انسان در سراسر دنیا تاثیر گذاشته است؛ تاثیری که تا سالیان متمادی باقی خواهد ماند.

وقتی اخبار کناره گیری او و به مدت کوتاهی پس از آن، فوت نابهنگامش در ۵۶ سالگی در رسانه ها پخش شد، بسیاری از مردم دنیا از صمیم قلب متأثر شدند؛ زیرا او از آن دسته



برسد و با باور این نیرو و به کارگیری آن ، سیب های موجود در قدم به قدم زندگی اش را گاز زده و از آن نهایت لذت را ببرد.



### کلید اول : حواست به تیک تاک ساعت باشه !

خیلی وقت ها شده است که در جمعی که حضور دارم ، حالا خانوادگی باشد یا جمع دوستان ، این سوال را از جمع بپرسم که به نظرشان مهم ترین سرمایه ای که انسان دارد چیست . برای این سوال جواب های بسیار گوناگونی گرفته ام که هر کدام می تواند از دیدگاه های خودشان ، جواب های خوبی باشند. یکی می گوید سلامتی و تندرستی. دیگری می گوید مال و املاک . شخصی جواب می دهد که خانواده و پدر مادر بهترین سرمایه برای انسان هستند . ولی از جنبه ای دیگر می توان بهترین سرمایه ی انسان را « لحظات عمر و وقتش » دانست. چرا که انسان هر چیزی که به دست می آورد ، چه خوب باشد یا چه بد ، ارزشش یک ریال باشد یا میلیاردها دلار ، همه و همه را در سایه ی این سرمایه به دست می آورد و اگر این سرمایه نباشد ، چیز دیگری هم نخواهد بود.

استیو جابز در این باره می گوید : همه ی ما زمان و فرصت کوتاهی روی زمین داریم. برای همین ما فقط فرصت داریم که یکی دو کار را به انجام برسانیم. هیچ کس نمی داند چه قدر زندگی می کند. من هم نمی دانم. اما احساس می کنم باید تا جوانی هست هر چه می توانم این فکرها را به انجام برسانم. « در دین مبارک اسلام هم بارها و بارها به این موضوع اشاره شده است. به عنوان نمونه رسول گرامی اسلام (ص) ، در رابطه با این موضوع می فرماید : « بر عمر خود، بخیل تر از درهم و دینارت باش »

استیو جابز در سخنرانی معروفش در دانشگاه استنفورد ، تیر خلاص را در این باره زد و گفت : « این که می دونم به زودی می میرم ، قوی ترین ابزار دسته مننه ... چرا که کمکم می کنه تا بهترین هارو انتخاب بکنم. » پس برای موفقیت در زندگی و همچنین شغل خود ، باید حواسمان به لحظه لحظه ی زندگیمان باشد و برای هر لحظه ی خود بهترین انتخاب ممکن را

داشته باشیم چرا که عمر محدود است و تا چشم بزنیم تمام می شود .

« برای آشنایی با ساده ترین و کارآمدترین روش های مدیریت زمان ، روی عکس زیر کلیک کنید.»



### کلید دوم : عاشق کاری باشید که انجام می دهید

دارن هاردی در کتاب دیوانگان ثروت ساز می گوید : « بهترین توضیحی که برای علت عشق ورزیدن به آنچه انجام می دهید خوانده ام ، مربوط است به استیو جابز. جابز در یکی از سخنرانی های خود گفت : می گویند شما باید نسبت به کاری که می کنید ، حس خیلی خوبی داشته باشید . درست است و علتش این است که کسب و کار سخت است و اگر آن احساس را نداشته باشید ، تسلیم می شوید. این کار ، سخت است و شما باید آن را در طول یک بازه ی زمانی مشخص انجام دهید. پس اگر دوستش

نداشته باشید ، اگر از انجامش لذت نمی برید و واقعا عاشقش نیستید ، رهاش می کنید! خیلی وقت ها آدم هایی موفق می شوند که آنچه را که انجام می دهند، دوست دارند و در نتیجه وقتی کار سخت می شود ، مقاومت می کنند و کسانی که به آن عشق نورزیده اند ، رهاش می کنند. اگر کار را دوست نداشته باشید ، چنین کاری را ادامه می دهید؟! قطعاً نه ! پس بدانید اگر عاشق کارتان نباشید ، شکست می خورید . «

شاید نام الون ماسک به گوشتان خورده باشد. او موسس شرکت هایی همچون تسلا موتورز و پی پال (paypal) و اسپیس ایکس (spaceX) و ... است. یعنی در یک کلام می توان گفت او کارآفرین آهنگین دنیا است . الون ماسک هم در مورد علاقه داشتن و عشق ورزیدن به کاری که فرد انجام می دهد، می گوید : « راه اندازی یک کار ، پیشبرد آن و موفقیت در آن کار ، همانند خیره شدن به جهنم و خوردن شیشه است ! «



وای خدای من! خوردن شیشه؟؟؟ چه کسی می خواهد صبح از خواب بیدار شود و یک کاسه شیشه به عنوان صبحانه بخورد؟ جواب این است: کسی که عاشق باشد. فقط و فقط کسی که عاشق باشد. چون عشق می تواند ترغیبتان کند کارهای دیوانه وار بکنید و این دقیقا همان چیزی است که برای به ثمر رساندن کار باید انجام دهید.

پس کلید موفقیت دوم این شد: عشق و علاقه به کاری که انجام می دهیم. یک لحظه فکرش را بکنید. چه می شد اگر استیو جابز با خودش فکر می کرد: «آره کارم را دوست دارم، به هر حال یک شغل است دیگر!» اگر این اتفاق می افتاد و به کاری که انجام می داد عشق و علاقه نداشت، کارش را ول می کرد و استیو جابزی که الان ما می شناسیم نبود. پس برای اینکه شما هم سیب های تان را گاز بزنید، حتما و حتما باید به این نکته توجه کافی داشته باشید.



### کلید سوم: دل را به دریا زدن!

حتما این حرف معروف را شنیده اید که «کشتی در ساحل امن تر است اما برای آنجا ساخته نشده است.» این جمله، دقیقا در مورد

ما انسان ها نیز دلالت دارد. بگذارید جمله ای از استیو جابز را برایتان بگویم تا منظورم را بهتر متوجه شوید. استیو جابز می گوید: «هرگز از امتحان کردن کارهای جدید نترس. کارهای جدید انجام بده و دل را به دریا بزن؛ به خاطر بیاور که کشتی نوح را آماتورها (غیرحرفه ای ها) ساختند و تایپانیک را حرفه ای ها، اما عاقبت آن ها خیلی متفاوت بود!!!» اصلا بیایید داستان موفقیت یک فرد دیگر را ورق بزنیم:

«مایک کلی» ساکن پارادایز و صاحب چندین شرکت است که تحت پوشش شرکت «فعالیت های ساحلی مائویی» قرار دارند. او تنها یک سال به دانشکده رفت (هرگز مدرکش را نگرفت)، در نوزده سالگی، لاس وگاس را به قصد سفر به جزایر هاوایی ترک کرد و به کار فروش لوسیون ضد آفتاب در کنار استخر هتلی در مائویی خاتمه داد. مایک از این شروع جزئی و محقر موفق به خلق شرکتی با ۱۷۵ کارمند و بیش از پنج میلیون دلار درآمد سالیانه شد که تجارب تفریحی را برای گردشگران و خدمات نگهداری و حفاظتی را برای مراکز تجاری بسیاری از هتل های این جزیره فراهم می کند.

مایک بیشتر موفقیت خود را به این موضوع نسبت می دهد که همیشه هر وقت لازم بوده دل

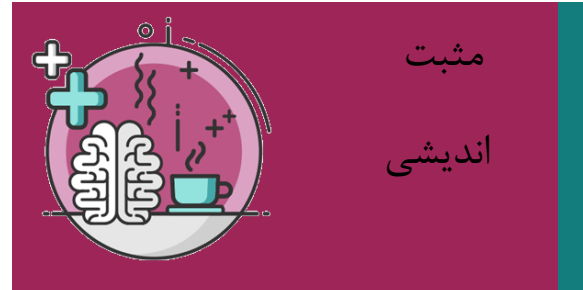
را به دریا زده است. وقتی شرکت فعالیت‌های ساحلی مائویی سعی کرد تجارب خود را گسترش دهد، هتل مهمی در آنجا بود که طالب این تجارت بود، اما یکی از رقبای قرارداد پانزده‌ساله‌ای را برای آنها منعقد کرده بود. مایک برای اینکه بتواند رقابت کند، همیشه مجلات و روزنامه‌های تجاری را می‌خواند و گوشش را برای شنیدن اتفاقاتی که در تجارت می‌افتاد، تیز می‌کرد. روزی متوجه شد که این هتل قصد دارد مدیران ارشد خود را تعویض کند و مدیر ارشدی که قرار بود برای آن هتل انتخاب شود، در کوپرمانتین کلرادو زندگی می‌کرد. این خبر، مایک را به فکر فرو برد: از آنجا که برقراری ارتباط و گرفتن وقت ملاقات با مدیر ارشد بسیار مشکل بود، شاید می‌بایست سعی می‌کرد قبل از نقل مکان به هاوایی او را ملاقات کند. مایک در مورد بهترین روش برقراری تماس با او، با خودش درگیر بود. آیا می‌بایست نامه می‌نوشت؟ آیا می‌بایست تماس تلفنی با او برقرار می‌کرد؟ همان‌طور که این راه‌حل‌ها را بررسی می‌کرد، دوستش دوگ پیشنهادی به او کرد: «چرا فوراً سوار هواپیما نمی‌شوی تا بروی و او را حضوری ملاقات کنی؟»

مایک که همیشه آدمی بود که فوراً اقدام می‌کرد و همان موقع کار را انجام می‌داد، به سرعت این پیشنهاد را عملی کرد. شب بعد سوار هواپیما شد. بعد از یک شب کامل که در هواپیما بود، وارد کلرادو شد، اتومبیلی کرایه کرد و به مدت دو ساعت به سمت کوپرمانتین رانندگی کرد و بی‌خبر در اداره‌ی مدیر ارشد جدید ظاهر شد. خود را معرفی کرد، سمت جدید مدیر ارشد را به او تبریک گفت و اظهار داشت که پیشاپیش منتظر ورود او به مائویی است و از او چند لحظه فرصت خواست تا در مورد شرکتش و آنچه می‌تواند برای هتل او انجام دهد، توضیح دهد.

مایک در جلسه‌ی اول، قراردادی منعقد نکرد، اما این جوان آن‌قدر به خودش و خدماتش مطمئن بود که با ایمان سوار هواپیما شود و به دنور پرواز کند و با اتومبیل به وسط کلرادو برود، با این فکر که می‌تواند مدیر ارشد را تحت تأثیر قرار دهد، وقتی به هاوایی برمی‌گشت قراردادی پانزده ساله بسته بود و این قرارداد، صدها هزار دلار سود عاید او کرد.

شما هم برای موفقیت این موضوع را فراموش نکنید. همیشه باید مثبت اندیش باشید و دل به دریا بزنید؛ چرا که حتماً یادتان هست،

کشتی در ساحل امن تر است اما برای آنجا ساخته نشده است.



« برای اینکه الفبای مثبت اندیشی را به درستی یاد بگیرید و به بهترین نحو بتوانید دل به دریا بزنید تا موفقیتتان را تضمین کنید، روی عکس بالا کلیک کنید.»



### کلید چهارم : وای به روزی که بگندد نمک !

باور کنید این روزها دیگر بچه های ۷-۸ ساله هم از اهمیت رهبری در گروه مطلع اند . فکرش را بکنید یک شرکت یا هر کاری که به صورت گروهی انجام می شود مثل یک کشتی است . حالا فرض کنید ناخدای این کشتی از آن دسته افرادی باشد که تفاوت آیس برگ را با برفک یخچال تشخیص ندهد! آنوقت فکر می کنید چه بلایی قرار است سر این کار گروهی و شرکت بیاید ؟

بینیم این بار استیو جابز برایمان چه دارد. استیو جابز ضراحتاً می گوید : « وجه تمایز یک رهبر ، نوع آوری و خلاقیت است .»

خودشم هم در سرتاسر ابداعات و اختراعاتی که داشت و چیزهایی که ساخت ، هیچ وقت از این اصل غافل نشد . رهبری خوب و صد البته همراه با خلاقیت ! بگذارید چندین نکته ی هایلایت شده از مقالات سایت چطور را در این مورد بررسی کنیم :

- تفکر خلاق برای رسیدن به ایده‌های جدید و راه‌حل‌های تازه، از رموز موفقیت در هر کسب‌وکاری است.
- تفکر خلاق و حل مسئله، اجزای اساسی فرایند طراحی برای تبدیل ایده‌ها به نوآوری و شکستن موانع موجود بر سر راه خلاقیت هستند.
- سون تزو، ژنرال جنگی در چین باستان و نویسنده‌ی کتاب «هنر جنگیدن» رهبر را کسی توصیف می‌کند که «قوانین اخلاقی را وضع می‌کند و سخت پایبند به شیوه‌های مناسب و نظم است.»
- رهبران نمی‌توانند تنها دوام بیاورند
- و ...

پس به خاطر داشته باشید برای موفقیت در امور کاری خود ، باید رهبری بلد باشید و همچنین خلاقیت های خود را چاشنی کارهایتان کنید تا به بهترین ها دست یابید . برای آشنایی با فوت و فن های رهبری شغلی و همچنین برای خواندن مقالات دست اول در مورد هوش و خلاقیت می

توانید از سایت چطور کمک بگیرید. کافی است روی کلمه  
ی « رهبری » یا « هوش و خلاقیت » کلیک کنید.



کلید پنجم : به فکر دیگران هم باشید !

کمک کردن به دیگران و تلاش برای ساختن دنیایی بهتر ،  
از آرمان های همه ی انسان های موفق و خوش فکر است و  
در همه ی ادیان و آیین ها به این مباحث به تفصیل  
پرداخته شده است . استیو جابز در این باره می گوید : « مهم  
نیست ثروتمند ترین فردی باشم که در یک گوشه ی  
قبرستان آرام گرفته ؛ مهم این است که هر شب وقتی به  
تخت خواب می روم احساس کنم کار ازشمندی برای دنیا و  
مردمی که در آن زندگی می کنند، در آن روز انجام داده  
ام.» پس همیشه خیر خواه دیگران هم باشیم و خوب به  
خاطر داشته باشیم :

تو نیکی می کن و در دجله انداز

که ایزد در بیابانت دهد باز

پیروز و سربلند باشید.

اسماعیل سلیمی

پاییز ۱۳۹۵

منابع :

۱. زندگی نامه ی استیو جابز / نوشته ی والتر

آیزاکسن

۲. شیوه های رهبری برای نسل جدید : استیو جابز /

نوشته ی جی.الیوت (معاون اول سابق اپل)

۳. دیوانگان ثروت ساز : چگونه نترسیم و سوار قطار

وحشت کارآفرینی شویم ؟ / نوشته ی دارن جی

هاردی

۴. مقالات منتشر شده در سایت چطور دات کام

(chetor.com)